

بررسی محتوای اطلاعاتی متغیرهای حسابداری در پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی

محمود لاری دشت بیاض^۱، هاشم علی صوفی^۲، سجاد نصرت^{۳*}

۱- استادیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲- استادیار حسابداری، گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی سناباد گلپهار، مشهد، ایران

۳- پژوهشگر، کارشناس ارشد حسابداری، گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی سناباد گلپهار، مشهد، ایران

*sajjadnosrat@yahoo.com

چکیده

با توجه به اهمیت اطلاعات حسابداری و قدرت پیش بینی کنندگی آنها و همچنین تأثیرات چشم‌گیر رشد و یا رکود اقتصادی بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان در مورد سرمایه‌گذاری‌های خود این پژوهش به بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی متغیرهای مهم حسابداری از جمله سود و کیفیت آن و درآمد حاصل از فروش را برای یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان یعنی تولید ناخالص داخلی می‌پردازد. بر این اساس سری زمانی داده‌های مربوط به سود، کیفیت سود گزارش شده، فروش شرکت‌ها و تولید ناخالص داخلی به صورت فصلی (با توجه به ویژگی به موقع بودن) طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۴ جمع‌آوری شده و به روش سری زمانی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بین مجموع رشد فصلی سود حسابداری، کیفیت فصلی سود و تغییرات فصلی کیفیت سود و رشد تولید ناخالص داخلی آتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و درباره رشد تولید ناخالص داخلی حاوی محتوای اطلاعاتی بوده و می‌تواند آن را پیش‌بینی کنند ولی مجموع رشد فصلی درآمد حاصل از فروش هیچ رابطه‌ای با رشد تولید ناخالص داخلی نداشته و نمی‌تواند رشد آن را پیش‌بینی کند. این یافته‌ها می‌تواند برای تحلیل‌گران کلان و سیاست‌گذاران اقتصادی و همچنین برای برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی دولت سودمند باشد.

واژگان کلیدی: رشد سود، رشد فروش، کیفیت سود، تغییرات کیفیت سود، رشد تولید ناخالص داخلی

۱- مقدمه

پیش‌بینی وضعیت اقتصادی را می‌توان پیش‌بینی تولید دانست. در بخش حقیقی اقتصاد و در سطح همفزون، داده‌های اقتصادی با تأخیر جمع‌آوری، پردازش و تجدید نظر در داده‌ها به نسبت طولانی‌تر است. استفاده از نشانه‌گرهای پیشرو برای پیش‌بینی وضعیت آینده اقتصاد در کوتاه‌مدت^۱، به دولت و بانک‌های مرکزی کمک می‌کند تا سیاست‌های مالی و پولی مناسبی را به منظور جلوگیری از وقوع رکود یا کاهش عمق رکود و یا سیاست‌های انقباضی ضد تورمی در شرایط رونق را در پیش بگیرند. همچنین بنگاه‌ها با استفاده از این نشانه‌گر رفتار بخش حقیقی اقتصاد را در آینده‌ی نزدیک پیش‌بینی کرده و تصمیمات خود را بر اساس آن اتخاذ کرده و یا تغییر می‌دهند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱). و از آنجایی که «تولید ناخالص داخلی خلاصه‌ی آمار کلیدی فعالیت‌های اقتصادی است (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹)^۲ و مهمترین متغیر تجزیه و تحلیل رشد اقتصادی است (هندرسون و همکاران^۳، ۲۰۱۲)^۴. از این رو پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی، بخصوص رشد آن از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

^۱ منظور از کوتاه مدت زمانی است که اقتصاد در حالت پایدار خود به سر نمی‌برد

^۲ Biddle et al

^۳ Henderson et al

^۴ این مورد یعنی تولید ناخالص داخلی، توسط کاخ سفید و کنگره برای آماده‌سازی بودجه فدرال، توسط فدرال رزرو برای تدوین سیاست‌های پولی، توسط وال استریت به عنوان شاخص فعالیت اقتصادی، و توسط جامعه کسب و کار به عنوان یک ورودی کلیدی برای تصمیم‌گیری‌های تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال استفاده شده است.

حسابداری به عنوان بخشی از نظام اطلاعاتی، نقش مثبت و موثری در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه ریزی و بودجه بندی توسعه اقتصادی کشور های در حال توسعه ایفا می نماید. بنابراین تدوین چارچوبهای خاص برای توسعه حسابداری در ابعاد معین ضروری می نماید؛ از جمله مهم ترین این ابعاد پیوند بین حسابداری خرد (حسابداری واحد های اقتصادی) و حسابداری کلان (حسابداری ملی) می باشد (تقوی و احدی سرکانی، ۱۳۸۶).

با توجه به اهمیت اطلاعات حسابداری و قدرت پیش بینی کنندگی آنها و همچنین تاثیرات چشم گیر رشد و یا رکود اقتصادی بر تصمیم گیری استفاده کنندگان در مورد سرمایه گذاری های خود که در نتیجه تاثیر پذیری بازارهای مالی و سرمایه ای؛ به خصوص بورس اوراق بهادار از شرایط اقتصادی است، پیش بینی رشد اقتصادی برای استفاده کنندگان از اهمیت بسزائی برخوردار می باشد با این وجود در حالی که حجم زیادی از پژوهش های حسابداری شواهدی در مورد نقش اطلاعاتی داده های حسابداری در سطح شرکت ارائه می دهد (بیور^۱، ۱۹۹۸) و (کوثری^۲، ۲۰۰۱)، ارتباط بین متغیرهای مهم حسابداری از جمله رشد سود و فروش و کیفیت سود و متغیرهای مهم اقتصاد کلان از جمله تولید ناخالص داخلی نسبتاً ناشناخته باقی مانده است. بیور (۱۹۶۸) در خصوص اهمیت رابطه بین تصمیم گیری و پیش بینی می گوید: «پیش بینی را می توان بدون اخذ تصمیم انجام داد، ولی کوچکترین تصمیم گیری را نمی توان بدون پیش بینی انجام داد».

یانیو کانچیچکی و پانوس ان پاتاتوکاس (۲۰۱۴) در پژوهش خود که به بررسی رابطه بین مجموع رشد سود حسابداری و رشد تولید ناخالص داخلی پرداخته بودند بر این نتیجه رسیدند که مجموع رشد سود فصلی با رشد فصلی تولید ناخالص داخلی ارتباط داشته و مجموع رشد فصلی سود حسابداری می تواند رشد تولید ناخالص داخلی و خطای پیش بینی تولید ناخالص داخلی را پیش بینی کند. فابیو گیت نر و همکاران^۳ (۲۰۱۶) بر اساس مطالعات یانیو کانچیچکی و پانوس ان پاتاتوکاس (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین مجموع تغییرات منفی سود با رشد تولید ناخالص داخلی پرداخته و به این نتیجه رسیدند تغییرات منفی در مجموع سود مفید تر از تغییرات مثبت در پیش بینی رشد آینده تولید ناخالص داخلی و خطای پیش بینی تولید ناخالص داخلی بوده و تغییرات منفی مجموع سود می تواند تا سه فصل جلوتر در مورد رشد تولید ناخالص داخلی محتوای اطلاعاتی داشته و آن را پیش بینی کند و همچنین نشان دادند که یک ارتباط بین تغییرات منفی در اقلام تعهدی کل و رشد تولید ناخالص داخلی و خطای پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی وجود دارد.

با مروری بر مطالب گفته شده در رابطه با چگونگی ارتباط بین سود و رشد تولید ناخالص داخلی و نیز توجه به نتایج تجربی مطالعات انجام شده انتظار می رود که متغیرهای مهم حسابداری با رشد تولید ناخالص داخلی ارتباط مثبت و معناداری داشته و توانایی پیش بینی آن را داشته باشند و هدف از پژوهش حاضر نیز بررسی این موضوع می باشد.

۲- مبانی نظری پژوهش

فقدان ثبات^۴ از مهمترین مولفه هایی است که فعالیت های اقتصادی را تحت تاثیر قرار می دهد. در شرایط عدم ثبات اصولاً تشکیل سرمایه با مانع روبه رو است و سرمایه های جامعه به سمت فعالیت های غیر مولد، واسطه ای زود بازده، سوق می یابد. اقتصاد با ثبات زمینه را برای برنامه ریزی بهتر و کاهش ریسک فعالیت های اقتصادی مهیا ساخته و در چنین محیطی خطرها و تهدیدهای متوجه بنگاههای اقتصادی به حداقل می رسد. رشد اقتصادی نه تنها فرصت طلبی شرکت ها را از طریق ایجاد فرصتهای سرمایه گذاری خوب افزایش می دهد، بلکه سبب رقابت بیشتر نیز می شود (بلکویی و نجار^۵، ۲۰۰۶). به عبارت دیگر، با افزایش رشد اقتصادی در یک کشور، محیط فعالیت شرکت ها نیز رقابتی تر می شود. افزایش در رقابت، امکان حذف شدن از صحنه رقابت را افزایش می دهد و این ممکن است سود شرکت را کاهش داده و نقش تلاش های مدیریت رده بالا را کم رنگ تر کند (گرینوود و اسمیت^۶، ۱۹۹۷) (هرملین^۷، ۱۹۹۲) (اسچارف استین^۸، ۱۹۸۸). این نتایج، ناشی از تئوری نمایندگی است.

^۱ Beaver

^۲ Kothari

^۳ Fabio B. Gaertner, et al

^۴ ثبات اقتصادی به معنی وجود شرایط با ثبات، مطمئن و قابل پیش بینی برای فعالین اقتصادی است، به طوری که شهروندان سرمایه های

خود را به طور مطمئن سرمایه گذاری و سود خود را برداشت کنند

^۵ Riahi and Najjar

^۶ Greenwood and Smith

^۷ Hermalin

^۸ Scharfstein

طبق نظریه های اقتصاد کلان، انباشت سرمایه فیزیکی یکی از شروط لازم برای رشد اقتصاد ملی به حساب می آید. به عبارتی، به کارگیری مطلوب نیروی کار در فرآیند تولید تا حد زیادی به میزان سرمایه موجود بستگی دارد و انباشت سرمایه، در تعیین میزان افزایش ستانده کل و ستانده سرانه نیروی کار نقش اساسی ایفا می نماید. بسیاری از مطالعات اقتصادی تأیید می کنند که در صورت فقدان سرمایه کافی، رشد اقتصادی با مشکل جدی مواجه می شود.^۱

در جریان رشد اقتصادی، اهمیت سرمایه به عنوان عامل مهم تولید روز به روز افزایش می یابد و همین امر موجب اتخاذ سیاست هایی برای جذب سرمایه گردیده است. از جمله مهم ترین اقدامات کشورها توسعه یافته، گسترش بازارهای سرمایه و تشویق سرمایه گذاران خارجی است. بازار سرمایه به ویژه به دلیل اثرات ضد تورمی در مقایسه با بازار پول، در تأمین مالی طرح های سرمایه گذاری از اولویت برخوردار بوده و حائز اهمیت است (پیرایی و شهسوار، ۱۳۸۸).

بازار سرمایه به ویژه بازار بورس اوراق بهادار که از جمله مهم ترین و حساس ترین ارکان رسمی اقتصاد بشمار می روند، می تواند با جمع آوری سرمایه های راکد جامعه، علاوه بر کاهش نقدینگی مازاد، باعث تغییر جهت مطلوب سرمایه به سوی واحدهای اقتصادی فعال بازار شود و در رشد سرمایه گذاری، تولید و اشتغال نقش پویایی داشته و رشد و رونق اقتصادی را فراهم آورد (مینر^۲، ۲۰۰۸). با توجه به چشم انداز بلند مدت اقتصادی در ایران و با عنایت خاصی که مسئولین بلند پایه کشور به رشد و توسعه آن دارند، پایه های اصلی بودجه سالانه کشور بر مبنای توسعه سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال تنظیم می نمایند، از این رو اهمیت بازار سرمایه روز به روز بیشتر می شود.

نظر به اینکه سرمایه گذاران از مهم ترین متغیرهای تعیین کننده سرنوشت بلند مدت اقتصاد هستند. بنابراین برای فراهم نمودن بستری مناسب برای جذب و حضور گسترده این طیف وسیع و جلب اعتماد آنها، نیازمند ابزارها، معیارها و اطلاعات متنوع می باشد که یکی از مهمترین این ابزارها، اطلاعات مالی شرکت ها و شناخت حساسیت متغیرهای عمده حسابداری و قدرت پیش بینی کنندگی اطلاعات حسابداری در مورد محیط اقتصادی و شناخت متغیرهای کلان اقتصادی و عوامل موثر بر آنها است، که می تواند برای سرمایه گذاران در تصمیم گیری های اقتصادی موثر و سودمند باشد (مطهری و برادران شرکاء، ۱۳۸۶).

گزارش های مالی یکی از منابع اطلاعاتی در دسترس بازارهای سرمایه است که انتظار می رود نقش موثری در توسعه سرمایه گذاری و افزایش کارایی آن ایفا نماید. از آنجاکه سود خالص و فروش جامعترین ارقام برای نشان دادن توان تولیدی یک شرکت است، زمانی که مدیری بخواهد صورت های مالی را دستکاری کند، محتمل ترین اقدام بالا بردن ارقام سود (توسط بیشتر نشان دادن درآمدها و کمتر نشان دادن هزینه ها) و فروش است (هاشمی و بهزادفر، ۱۳۹۰). با توجه به این امر که اهداف گزارشگری مالی، از نیازها و خواسته های اطلاعاتی استفاده کنندگان برون سازمانی سرچشمه می گیرد. هدف اصلی بیان آثار اقتصادی رویدادها و عملیات مالی بر وضعیت و عملکرد واحد تجاری برای کمک به اشخاص خارجی برای اتخاذ تصمیمات مالی در ارتباط با واحد تجاری است. منظور از محتوای اطلاعاتی یک معیار حسابداری، میزان استفاده و فایده آن در فرآیند تصمیم گیری فعالان بازار سرمایه می باشد. وجود محتوای اطلاعاتی در اطلاعات منتشر شده توسط واحدهای تجاری منجر به تغییر در رفتار سرمایه گذاران می شود، تغییر رفتار سرمایه گذاران برای انجام سرمایه گذاری در بورس به عنوان واکنش بازار سرمایه مورد بررسی قرار می گیرد. از آنجایی که واکنش بازار سرمایه با واکنش سرمایه گذاران ارتباط دارد، می توان بیان کرد که ارائه اطلاعات فاقد محتوای اطلاعاتی، توان تاثیرگذاری بر بازار سرمایه را ندارد و موجب تحریک بازار سرمایه نمی شود. بررسی محتوای اطلاعاتی صورت های سود و زیان میان دوره ای ۳، ۶ و ۹ ماهه در بورس اوراق بهادار تهران نشان می دهد که هر سه صورت های مالی میان دوره ای، دارای محتوای اطلاعات لازم به منظور پیش بینی اهداف استفاده کنندگان هستند (عرب مازیاریزدی و جمالیان پور، ۱۳۸۹). همچنین مطالعات نشان می دهد که اعلامیه های سه ماهه سود در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان یک بازار سهام کوچک و کم معامله، همچون بازار های سهام بزرگتر، محتوای اطلاعاتی داشته و حاوی اطلاعات جدید و مربوطی برای بازار سهام می باشند (فدایی نژاد و کامل نیا، ۱۳۹۲). در نتیجه با توجه به مطالعات صورت گرفته گزارشات فصلی شرکت های بورسی دارای محتوای اطلاعاتی می باشد.

کیفیت اطلاعات حسابداری، میزان دقت گزارشگری مالی در بیان اطلاعات حسابداری و عملیات شرکت، به ویژه جریان های نقدی مورد انتظار می باشد که به منظور آگاهی سرمایه گذاران آرایه می شود (گایو و راپسو^۳، ۲۰۱۱). زف (۱۹۷۸) پیامدهای

^۱ برای اطلاعات بیشتر به مقاله حسن زاده و احمدیان " اثر توسعه بازار بورس بر رشد اقتصادی " در سال ۱۳۸۹ مراجعه شود.

^۲ Minier

^۳ Gaio and Raposo

اقتصادی را به عنوان «اثرات مالی و اقتصادی گزارش های مالی بر رفتار تصمیم گیری واحد تجاری، دولت، اتحادیه ها، سرمایه گذاران و اعتباردهندگان و سایر اشخاص ذی حق، ذی نفع و ذی علاقه» تعریف می کند. جوهره این تعریف آن است که گزارش های حسابداری و مالی می تواند بر تصمیمات واقعی مدیران و سایر اشخاص طرف قرارداد شرکت و همچنین ارزش شرکت اثرگذار بوده و بر میزان ریسک شرکت و نسبت تشکیل سرمایه در اقتصاد اثرگذار باشد و منتج به تسهیم مجدد ثروت میان مصرف کنندگان و سرمایه گذاری در اقتصاد گردد (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۳). از دیدگاه نظری، کیفیت سود به مفید بودن در تصمیم گیری در قالب مربوط بودن؛ اطلاعاتی مربوط تلقی می شود که بتواند به استفاده کنندگان آن در اتخاذ تصمیمات آتی اقتصادی کمک کند، قابلیت اتکا، قابلیت مقایسه و ثبات بستگی دارد (ترومن و تمن^۱، ۱۹۸۸). نستن؛ کیفیت سود را در صحت، قابلیت اعتماد، قابلیت پیشگویی و قابلیت مقایسه می دانند. بنابراین اگر سود حاصل از ثبات و پایداری و ماهیت تکرارپذیری برخوردار نباشد، کیفیت آن پایین خواهد بود (نستن^۲، ۱۹۸۹).

یکی از راه حل های افزایش جذابیت بازار، ایجاد محیطی با شفافیت مالی بالاتر است. ارائه صورت های مالی میان دوره ای که با هدف گزارشگری بهنگام تر اطلاعات انجام می شود، می تواند به شفافیت بیشتر بازار سرمایه منجر شده، از این طریق باعث تصمیم گیری مطلوب تر استفاده کنندگان گزارش های مالی، از جمله سرمایه گذاران شود. در واقع گزارشگری بهنگام تر و با کیفیت سبب می شود از اطلاعات خصوصی^۳ موجود کاسته و عدم تقارن اطلاعاتی^۴ میان سرمایه گذاران کمتر شود. میان مکانیزم های گزارشگری و کارایی سرمایه گذاری ارتباط وجود دارد و وجود مکانیزم گزارشگری با کیفیت بالا به کاهش خطرات اخلاقی^۵ و انتخاب نادرست^۶ منجر خواهد شد (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). کیفیت گزارشگری مالی، می تواند حداقل به دو صورت با کارایی سرمایه گذاری مرتبط باشد. اول اینکه، با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه گذاران، هزینه های انتخاب ناسازگار را، کاهش می دهد. دوم اینکه، با کاهش مشکلات نمایندگی، می تواند با افزایش توانایی سهامداران در نظارت بر مدیران، به بهبود کارایی سرمایه گذاری یاری رساند (مدرس و حارزاده، ۱۳۸۷). در نتیجه اگر بهبود و افزایش کیفیت گزارشگری مالی را یک رویه محافظه کارانه حسابداری در نظر بگیریم می توان چنین استدلال کرد که چون رفتارهای فرصت طلبانه در اعمال مدیریت سود) ارائه کیفیت نامطلوب صورت های مالی)، عدم تقارن اطلاعات را افزایش می دهد و این عدم تقارن اطلاعات موجب می شود تا حسابداری محافظه کاری را به عنوان راه حلی در جهت کاهش هزینه نمایندگی برگزینند و از طریق محافظه کاری از عدم تقارن اطاعات بکاهند و باعث ایجاد محدودیت هایی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی می شود (کامیابی و نورعلی، ۱۳۹۵). همچنان که مطالعات اخیر نشان می دهد که کیفیت اطلاعات حسابداری بر اثرات جانبی این اطلاعات بر روی استفاده کنندگان از جمله شرکت های رقیب و تامین کنندگان (رامان و شاهریز^۷، ۲۰۰۸)؛ پاندیت، واسلی و ژاک^۸ (۲۰۱۱)؛ چن، یانگ و ژوانگ^۹ (۲۰۱۳) تاثیر می گذارد (فیبو و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۶). کراولی^{۱۱} (۲۰۱۵) مفهوم کلیدی را بیان می کند که حسابداری محافظه کارانه می تواند اقدامات اقتصاد کلان را که برای تصرف و تاثیر گذار بودن بر عملکرد اقتصادی کنونی می باشد؛ را به شیوه ای بی طرفانه را منحرف کند (کراولی^{۱۲}، ۲۰۱۵) (فیبو و همکاران، ۲۰۱۶). در نتیجه اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا میتواند منجر به افزایش کارایی سرمایه گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی گردد که این عدم تقارن اطلاعاتی در صورت وجود، میتواند مشکلات اقتصادی هم چون مخاطرات اخلاقی و گزینش نادرست را به همراه داشته باشد.

تولید ناخالص داخلی (GDP) خلاصه آمار کلیدی فعالیت های اقتصادی (دیچاو و همکاران^{۱۳}، ۱۹۹۸) و مهمترین متغیر تجزیه و تحلیل رشد اقتصادی است (کینگ و لیوین^{۱۴}، ب ۱۹۹۳). در مطالعه بر روی پیش بینی رشد GDP، یافته مرکزی این

1 Trueman and Titman

2 Bernisten

3 Privative

4 Information Asymmetry

5 Moral Hazard

6 Adverse Selection

7 Raman and Shahrur

8 Pandit, Wasley, and Zach

9 Chen, Young, and Zhuang

10 Fabio, et al

11 Crawley, M.

12 Crawley

13 Dechow et al

14 King and Levine

است که پیش بینی کننده های حرفه ای عمده بهتر از مدل های سری زمانی فعالیت می کنند (استارک^۱، ۲۰۱۰) (زارنویتز و براون^۲، ۱۹۹۳). با این حال، روی هم رفته پژوهش های اقتصاد کلان به طور مستقل از پژوهش های حسابداری تکامل یافته اند، که به طور معمول در سطح شرکت انجام شده است، در حالی که حجم زیادی از پژوهش های حسابداری شواهدی در مورد نقش اطلاعاتی داده های حسابداری در سطح شرکت ارائه می دهد (کوثری، ۲۰۰۱) (بک و همکاران^۳، ۲۰۰۰). ارتباط بین متغیرهای حسابداری (سود، فروش و کیفیت سود) و اقتصاد کلان نسبتاً ناشناخته باقی مانده است و در نتیجه کمبود شواهد و اطلاعات در مورد آگاهی بخشی متغیرهای حسابداری برای رشد GDP وجود دارد.

بر اساس گفته یانیو کانچیچکی و پانوس ان. پاتاتوکاس (۲۰۱۴) سود حسابداری جریان های نقدی آینده را بهتر از جریان های نقدی جاری نشان می دهد (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹)، و همچنین بیان می کنند که سود شرکت ها یک عنصر از GDP می باشد و احتمالاً با سایر عناصر GDP مرتبط هستند (کالینز و هوکاران^۴، ۲۰۱۴) (بتچاری و همکاران^۵، ۲۰۰۳). دوم، مجموع رشد سود حسابداری پراکسی هایی برای رشد سود شرکتی، که گرداننده پیشرو رشد اقتصادی است محسوب می شود [۲۶]. از همه مهمتر، شرکت های فهرست شده لازم است سود و درآمدهای خود را در هر فصل گزارش دهند و از این رو داده های حسابداری بهنگام هستند. ادبیات قبل نشان می دهد که سود حسابداری اخبار بد اقتصادی را نسبت به اخبار خوب اقتصادی به سرعت بیشتری منعکس می کند (به عنوان مثال، باسو^۶ (۱۹۹۷)، واتس^۷ (۲۰۰۳) الف و ب، بال، کوثری و نیکولاو^۸ (۲۰۱۳)، کالینز و همکاران^۹ (۲۰۱۴)، بانکدار و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۶)).

باتوجه به موارد ذکر شده این مطالعه به بررسی آگاهی بخشی متغیرهای مهم حسابداری (سود، فروش و کیفیت سود) برای رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) می پردازد، بدین ترتیب که آیا متغیرهای حسابداری در پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی دارای محتوای اطلاعاتی بوده و تاثیر گذار هستند یا نه؟

نتایج پژوهش ما مبنی بر وجود رابطه بین سود حسابداری و رابطه اقلام تعهدی به عنوان کیفیت سود گزارش شده با تولید ناخالص داخلی نه تنها با نتایج مطالعات یانیو کانچیچکی و پانوس ان. پاتاتوکاس (۲۰۱۴) و فایو گبرت نر و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۶) هم سو بوده و سازگار می باشد بلکه طبق گفته های فایو گبرت نر و همکاران (۲۰۱۶) تاکید بر پژوهش های بال و شیواکومار^{۱۲} (۲۰۰۸) مبنی بر اهمیت اقلام تعهدی در تسهیل شناخت به موقع زیان و ضرر تحت یک گزارش مشروط محافظه کارانه می باشد.

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پیشینه خارجی

در اینجا به بیان پاره ای از پژوهش های تجربی پرداخته می شود که در زمینه های ارتباط بین متغیرهای اقتصاد کلان و اقلام گزارش شده در صورت های مالی و کیفیت سود شرکت ها انجام شده و به نحوی به موضوع پژوهش ارتباط پیدا می کنند. افزون بر این، برخی از پژوهش ها به منظور ایجاد پشتوانه ای برای به کارگیری متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش بیان شده است. مدسن^{۱۳} (۲۰۰۲) به بررسی رابطه بین بازدهی سهام و متغیرهای کلان اقتصادی برای کشورهای OESD در محدوده زمانی ۱۹۶۲ الی ۱۹۹۵ پرداخت. نتایج برآورد وی نشان داد که بازدهی سهام با نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد درآمدهای ملی رابطه مثبت و با نرخ بهره و نرخ تورم رابطه منفی دارد.

1 Stark

2 Zarnowitz and Braun

3 Beck et al

4 Collins et al

5 Bhattacharya et al

6 Basu

7 Watts

8 Ball, Kothari and Nikolaev

9 Collins et al

10 Banker et al

11 Fabio B. Gaertner, et al

12 Ball and Shivakumar

13 Madsen

آرگولا و توتوجا^۱ (۲۰۰۸) به بررسی روابط علی بین شاخص قیمت سهام و تولید صنعتی در یک الگو چند متغیره تصحیح خطای ویکتور که شامل متغیرهای اقتصادی تعیین کننده پرداختند. نتایج آنها نشان داد که رشد اقتصادی به عنوان نماینده تولید صنعتی با شاخص قیمت سهام رابطه علی دارد. مینیر^۲ (۲۰۰۸) در پژوهش خود پیرامون بازار سرمایه نشان داد، که بازار سرمایه زمینه رشد و رونق اقتصادی را فراهم می آورد. آنتنی و کوام^۳ (۲۰۰۸) به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه شاخصهای کلان اقتصادی بر عملکرد بازارهای سهام در بورس اوراق بهادار غنا تاثیر میگذارد. یافته های آنها نشان داد که نرخهای استقراض از بانکهای سپردهگذاری اثر معکوسی بر عملکرد بازار سهام دارد.

جمال زوبایری^۴ (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی اثر عوامل کلیدی مالی و اقتصادی بر سودآوری پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که رشد تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و معناداری با سودآوری دارد. بیدل و همکاران^۵ (۲۰۰۹) در امتداد سه پژوهش قبلی و در تحقیقی پیرامون ارتباط کیفیت گزارشگری مالی با کارایی سرمایه گذاری پرداخته اند. یافته های آنها نشان داد رابطه ای علی میان کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه گذاری وجود دارد و بین کیفیت گزارشگری و سرمایه گذاری کمتر و بیش از حد، رابطه معناداری برقرار است.

کانچیچکی^۶ (۲۰۱۱) در می یابد که مجموع تغییرات قیمت بر سودهای حسابداری شرکت ها تاثیر می گذارند و برای جریان های نقدی آتی و ارزشگذاری سهام آگهی بخش هستند. لی و همکاران^۷ (۲۰۱۲) نشان می دهند که ترکیب افشاء های فروش جزء جغرافیایی و پیش بینی های رشد GDP در سطح کشور به بهبود پیش بینی های درآمدی سطح شرکت کمک می کند. سارود^۸ (۲۰۱۲)، در مقاله خود به بررسی تاثیر سرمایه گذاری خارجی بر حساب سرمایه و تولید ناخالص داخلی برای کشور هند پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان می دهد که سرمایه گذاری خارجی در هند نه تنها تولید ناخالص داخلی را تغییر می دهد بلکه وضعیت تجاری و تراز پرداخت ها را نیز تغییر خواهد داد. کانچیچکی، پانوس ان. پاتاتوکاس^۹ (۲۰۱۴) در مقاله خود به بررسی آگاهی بخشی سود حسابداری برای رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) می پردازد. در این پژوهش رشد سود حسابداری را با استفاده از نمونه جامع گزارشات فصلی اندازه گیری می کنند نتایج پژوهش نشان می دهد که رشد سود حسابداری یک شاخص پیشرو از اقتصاد آمریکا است. و می تواند رشد تولید ناخالص داخلی و همچنین خطای پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی را پیش بینی کند، به خصوص برای افق پیش بینی یک فصل پیش رو، و همچنین یافته های آنها نشان می دهد که میزان پیش بینی مجموع رشد سود حسابداری برای رشد GDP آتی به لحاظ اقتصادی مهم است و برای رشد GDP هم زمان افزایشدهنده است. فابیو گبرت نر و همکاران (۲۰۱۶) بر اساس مطالعات یانیو کانچیچکی و پانوس ان. پاتاتوکاس^۹ (۲۰۱۴) در مقاله خود به بررسی رابطه بین مجموع تغییرات منفی سود با رشد تولید ناخالص داخلی پرداخته و به این نتیجه رسیدند تغییرات منفی در مجموع سود مفید تر از تغییرات مثبت در پیش بینی رشد آینده تولید ناخالص داخلی و خطای پیش بینی تولید ناخالص داخلی بوده و تغییرات منفی مجموع سود می تواند تا سه فصل جلوتر در مورد رشد تولید ناخالص داخلی محتوای اطلاعاتی داشته و آن را پیش بینی کند و همچنین نشان دادند که یک ارتباط بین تغییرات منفی در اقلام تعهدی کل و رشد تولید ناخالص داخلی و خطای پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی وجود دارد.

و در مورد مطالعات صورت گرفته در مورد پیامد اقتصادی کیفیت صورت های مالی و تاثیر آن بر سرمایه گذاری و کارایی آن می توان به موارد زیر اشاره کرد:

باتاچاریا و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۳) عدم شفافیت سود را در ۳۴ کشور اندازه گیری کردند و سپس تأثیر عدم شفافیت سود بر دو ویژگی بازار سرمایه؛ یعنی تقاضای بازده سهامداران و میزان معاملات آن ها را بررسی نمودند. نتیجه تحقیق، بیانگر این بود که افزایش در معیار کلی عدم شفافیت سود در یک کشور، با افزایش قابل ملاحظه در هزینه سرمایه و کاهش قابل ملاحظه ای در میزان معاملات بازار سرمایه در آن کشور، همراه بوده است

1 Agrawalla , Tuteja

2 Minier

3 Anthony , Kwame

4 Jamal Zubairi

5 Biddle et al

6 Konchitchki

7 Li et al.

8 Sushant Sarvorde

9 YanivKonchitchki n, PanosN.Patatoukas

10 Bhattacharya et al.

فرانسیس و همکاران^۱ (۲۰۰۵) با بررسی نحوه قیمت گذاری کیفیت ارقام تعهدی، نشان دادند که هر چه کیفیت ارقام تعهدی شرکت ها پایین تر باشد، هزینه بدهی و سرمایه در آن شرکت ها بالاتر می رود. علت این امر آن است که کیفیت پایین ارقام تعهدی باعث افزایش ابهام در اطلاعات گردیده، متعاقب آن، ریسک سرمایه گذاری بالا می رود.

بلکویی و النجار^۲ (۲۰۰۶) عوامل تعیین کننده ای را که در سطح بین المللی بر عدم شفافیت سود تأثیر می گذارد، شناسایی نمودند، نتیجه تحقیق آنان، بیانگر این بود که عدم شفافیت سود ارتباط منفی با سطح آزادی اقتصادی و کیفیت زندگی داشته، با حاکمیت قانون، رشد اقتصادی و سطح فساد ارتباط مثبت دارد.

بیدل و هیلاری^۳ (۲۰۰۶ و ۲۰۰۷) با استفاده از نماگر کیفیت ارقام تعهدی بر اساس مدل فرانسیس و همکاران نشان دادند که چگونه کیفیت اطلاعات حسابداری به سرمایه گذاری در سطح شرکت ها مربوط است. آنها به این نتیجه دست یافتند که شرکت های دارای کیفیت بالای اطلاعات حسابداری، دارای بازگشت سرمایه بهتر و همچنین بازدهی بالاتر در سرمایه گذاری های خود بوده، این امر (کیفیت بالاتر اطلاعات حسابداری) همچنین بهره وری سرمایه گذاری در دارایی های سرمایه ای را نیز به صورت میانگین افزایش می دهد و در سال ۲۰۰۸ نیز دریافتند که کیفیت گزارشگری بالاتر موجب جلوگیری از بیش (کم) سرمایه گذاری می شود.

دیچو و تانگ^۴ (۲۰۰۸) در بررسی های خود که به ارتباط بین درآمد ها و هزینه ها پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که ارتباط بین درآمدها و هزینه ها در طول دوره پژوهش کاهش یافته (تطابق ضعیف) و ارتباط بین درآمد سال جاری با درآمدهای سال گذشته افزایش یافته است. وی در سال (۲۰۰۹) ارتباط میان نوسانات سود و امکان پیش بینی آن، را مورد بررسی قرار دادند. به عنوان یکی از نتایج فرعی آن پژوهش، آنها با تقسیم بندی پنجگانه داده ها بر اساس نوسانات سود، نشان دادند که گزینه ای از عوامل حسابداری و اقتصادی بر نوسانات سود موثر می باشد. در ادامه دانلسون و همکاران^۵ (۲۰۱۱) سعی کردند که توضیحات بیشتری در خصوص پژوهش دیچو و تانگ (۲۰۰۸) بیافزایند. آنها در مطالعات خود ۶۴۵ شرکت را طی سال های ۱۹۷۳ الی ۲۰۰۵ (۳۲ سال) مورد پژوهش قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که عوامل اقتصادی باعث به وجود آمدن ارقام خاص (علل اصلی وجود اختلال بین رابطه درآمدها و هزینه ها) بوده و در این خصوص تأثیر بیشتری نسبت به عوامل حسابداری داشته است.

همان گونه در مطالب فوق ذکر شد فابو گبیرت نر و همکاران (۲۰۱۶) برای اولین بار در پژوهش خود که به بررسی رابطه بین مجموع تغییرات منفی سود با رشد تولید ناخاله داخلی پرداخته بود نشان داد که یک ارتباط بین تغییرات منفی در ارقام تعهدی کل و رشد تولید ناخالص داخلی و خطا پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی وجود داشته و دارای محتوای اطلاعاتی می باشد.

۳-۲- پیشینه داخلی

در ایران پژوهش های متعددی در رابطه با روابط بین رشد اقتصادی و متغیرهای عمده حسابداری (سود، بازده سهام، بهای تمام شده، فروش و ...) صورت گرفته است که همگی نشان دهنده رابطه و تأثیر مثبت متغیرهای کلان اقتصادی بر متغیرهای عمده حسابداری می باشند که می توان به مواردی چون: (جعفری صمیمی (۱۳۷۹)، حیدری هراتمه (۱۳۷۹)، شاه آبادی (۱۳۸۱)، ادیب (۱۳۸۲)، دژپسند (۱۳۸۴)، کریم زاده (۱۳۸۵)، برادران شرکاء و همکاران (۱۳۸۷)، هاشم کمالی رضایی (۱۳۸۷)، پیرایی و شهسوار (۱۳۸۷) می باشند و همچنین می توان به موارد زیر اشاره کرد:

سجادی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی رابطه متغیرهای کلان اقتصادی و شاخص بازده نقدی سهام در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. پژوهش آنها با هدف تعیین رابطه بلند مدت بین نرخ رشد شاخص بازده سهام و مجموعه ای از متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل نرخ تورم، نرخ رشد نقدینگی، نرخ ارز و درآمد نفتی انجام شده است. آنها داده ها را به صورت فصلی و برای دوره های زمانی ۱۳۳۷-۱۳۸۶ و با استفاده از روش خود رگرسیون برداری با وقفه های توزیعی، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج آزمون آنها حاکی از وجود رابطه بلند مدت میان متغیرهای اقتصادی مزبور و نرخ رشد بازده نقدی است.

پورزمانی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی (تورم، رشد شاخص سهام، رشد نرخ اشتغال و تولید ناخالص داخلی) بر بازده سهام در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ با استفاده از الگوی VAR و علیت

1 Francis et al

2 Riahi-Belkaoui, Ahmad, Fouad K.ALNajjar

3 Biddle and Hilary

4 Dichev and Tang

5 Donelson, et al.

گرنجر، که متغیرهای مورد بررسی به صورت فصلی جمع آوری و مورد بررسی قرار دادند. نتایج به دست آمده نشان دادند که تولید ناخالص داخلی با وقفه ۱ دوره بازده سهام را توضیح می دهد و رابطه بین این دو یک رابطه دوطرفه می باشد. و همچنین تولید ناخالص داخلی با وقفه ۱ دوره می تواند رشد اشتغال و با وقفه ۱ و ۲ دوره تولید ناخالص داخلی و در نهایت تولید ناخالص داخلی با وقفه ۲ دوره می تواند رشد شاخص کل سهام را توضیح بدهد.

احمدپور و ابراهیم پور (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی اثر شاخص های اصلی مالی و اقتصادی بر سود آوری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (صنایع خودرو و ساخت قطعات، شیمیایی و دارویی) بر اساس صورت های مالی سالانه ۶۲ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ پرداخته و به این نتیجه رسیدند که بین اهرم مالی، رشد فروش، متوسط قیمت سهام و تولید ناخالص داخلی با سود آوری رابطه معنادار وجود دارد. ولی بین نقدینگی و سودآوری رابطه معناداری وجود ندارد. اما هیچ کدام از موارد فوق به بررسی رابطه بین متغیرهای خرد به کلان و پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی از طریق داده های حسابداری به طور مشخص نپرداخته اند. همچنین تحقیقات متعددی در رابطه با کیفیت سود، کیفیت اقلام تعهدی، آثار عدم تقارن اطلاعاتی، محتوای اطلاعاتی ارقام نقدی و تعهدی و موضوع های مرتبط در سال های اخیر صورت گرفته است (نظیر قائمی و وطن پرست (۱۳۸۴)، رضازاده و آزاد (۱۳۸۷)، نوروش و همکاران (۱۳۸۵)، عرب مازار یزدی (۱۳۷۴)، عرب مازار یزدی و همکاران (۱۳۸۵)، مجیدی (۱۳۸۳)، خواجوی و ناظمی (۱۳۸۴)، ثقفی و کردستانی (۱۳۸۳)، احمدی (۱۳۸۶)، کردستانی و مجددی (۱۳۸۶). مدرس و حصارزاده (۱۳۸۷) در تحقیق خود به بررسی رابطه کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه گذاری بر اساس مدلی کاملاً منطبق با مدل تحقیق وردی (۲۰۰۶) پرداخته و با بررسی ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بین سال های ۷۹ الی ۸۵ نشان داده است که کیفیت گزارشگری مالی از طریق بیش (کم) سرمایه گذاری می تواند موجب ارتقای کارایی سرمایه گذاری می گردد.

در نهایت حجازی و خلیفه سلطانی و رحمانی (۱۳۸۹) به بررسی تاثیر رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی (به عنوان معیاری برای ارزیابی وضعیت اقتصاد کلان) بر عدم شفافیت سود پرداختند. نتایج بررسی آنها نشان می دهد که عدم شفافیت سود با رشد اقتصادی در سطح ۹۵٪ رابطه معنی داری دارد. ولی بین عدم شفافیت سود و آزادی اقتصادی رابطه معناداری وجود ندارد. عرب صالحی و گوگردچیان و پورفخریان (۱۳۹۴) به تحلیل مقایسه ای اثر اقلام تعهدی اختیاری بر بازده سهام، در شرکتهای با رشد بالا و سایر شرکتهای برای ۹۰ شرکت طی سال های ۱۳۹۱-۱۳۸۴ پرداختند. نتایج به دست آمده نشان می دهد که در شرکت های با رشد بالا استفاده از اقلام تعهدی اختیاری مثبت، برای انعکاس عملکرد مطلوب از واحد تجاری (انتقال اخبار خوب)، نسبت به سایر شرکتهای بیشتر است. کامیابی و نورعلی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی اثر میانجی محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود در شرکت ها پرداخته و با بررسی ۱۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ نشان داد که محافظه کاری تمام تاثیر عدم تقارن اطلاعات بر مدیریت سود را جذب کرده و اصطلاحاً محافظه کاری اثر میانجی کامل بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعات بر مدیریت سود دارد.

اما هیچ یک از پژوهش های مورد اشاره داخلی، موضوع ارتباط بین کیفیت اقلام تعهدی (کیفیت سود) و محتوای اطلاعاتی آن با رشد تولید ناخالص داخلی را به طور مشخص مورد توجه قرار نداده اند. با توجه به اینکه پژوهش های صورت گرفته تنها به نقش اطلاعاتی داده های حسابداری در سطح شرکت و همچنین تاثیر پذیری داده های حسابداری (متغیرهای خرد) از عوامل مختلف پرداخته اند، پژوهش حاضر از آن جهت که برای اولین بار به بررسی قدرت پیش بینی اطلاعات حسابداری (متغیر خرد) در مورد رشد تولید ناخالص داخلی که یکی از مهمترین متغیرهای اقتصاد کلان است پرداخته (نقش اطلاعاتی داده های حسابداری در سطح کلان) و تاثیر گذاری متغیرهای حسابداری بر رشد تولید ناخالص داخلی با استفاده از داده های فصلی مورد بررسی قرار داده است که از این لحاظ نوآورانه و حائز اهمیت می باشد.

۴- فرضیه های پژوهش

در راستای دستیابی به هدف پژوهش این مقاله و با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح شده، فرضیه های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

- فرضیه اول: بین رشد سود حسابداری و رشد تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین کیفیت سود حسابداری و رشد تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین تغییرات اقلام تعهدی و رشد تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین رشد فروش و رشد تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۵- روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و از همه صنایع طی سال های 1383 تا سال ۱۳۹۴ می باشد. نمونه این مطالعه با توجه به موضوع آن، از نوع نمونه گیری حذفی است بدین صورت که تنها شرکت هایی که اطلاعات آنها در دسترس نبوده و گزارشات فصلی ارائه نکرده باشند یا گزارشات ارائه شده ناقص باشد از نمونه حذف می شوند این پژوهش از نوع پژوهش های کمی است که از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می کند و بر اساس فرضیه ها و طرح های پژوهش از قبل تعیین شده انجام می شود. از این دسته پژوهش ها زمانی استفاده می شود که معیار اندازه گیری داده ها کمی است و برای استخراج نتیجه ها از فن های آماری استفاده می شود. به منظور جمع آوری داده ها و اطلاعات، از روش کتابخانه ای استفاده شده است. در خصوص جمع آوری اطلاعات مربوط به بخش مابانی نظری و پیشینه پژوهش از کتب، مجلات و سایت های تخصصی فارسی و لاتین استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز شرکت ها نیز از اطلاعات و صورت های مالی ارائه شده، اسناد، سوابق و مدارک موجود در کتابخانه بورس و نرم افزار ره آورد نوین و سایت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی^۱، سایت کدال^۲ و داده های مربوط به رشد تولید ناخالص داخلی از بانک مرکزی و سایت مربوطه^۳ گردآوری شده اند. در نهایت داده ها با استفاده از نرم افزار Excel آماده و سپس با استفاده از نرم افزار Eviews نسخه ۷ تجزیه و تحلیل نهایی انجام گرفته است. متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش به شرح جدول ذیل است:

جدول شماره ۱: متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	نام متغیر	نحوه محاسبه
وابسته	رشد فصلی تولید ناخالص داخلی یک فصل جلوتر	حاصل تقسیم، تفاضل تولید ناخالص فصل از فصل مشابه سال قبل بر تولید ناخالص فصل مشابه سال قبل
مستقل	رشد سود حسابداری	حاصل تقسیم، تفاضل نسبت سود به فروش فصل از فصل مشابه سال قبل بر نسبت سود به فروش فصل مشابه سال قبل
	رشد فروش	حاصل تقسیم، تفاضل درآمد حاصل از فروش فصل از فصل مشابه سال قبل بر درآمد حاصل از فروش فصل مشابه سال قبل
	کیفیت سود	مقادیر خطای مدل (E) حاصل از رگرسیون اقلام تعهدی
کنترلی	تغییرات کیفیت سود	حاصل تقسیم، تفاضل کیفیت سود فصل از فصل مشابه سال قبل بر کیفیت سود فصل مشابه سال قبل
	رشد فصلی تولید ناخالص داخلی همان فصل	حاصل تقسیم، تفاضل تولید ناخالص فصل از فصل مشابه سال قبل بر تولید ناخالص فصل مشابه سال قبل

منبع: یافته های پژوهش

در این پژوهش برای محاسبه کیفیت سود، از شاخص کیفیت سود بر اساس مدل فرانسویس و همکاران (۲۰۰۵) که بر پایه مدل دیچف و دیچو (DD) (۲۰۰۲) شکل گرفته است، استفاده شده است که به شرح زیر به دست می آید:

$$TCA_{j,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{j,t-1} + \alpha_2 CFO_{j,t} + \alpha_3 CFO_{j,t+1} + \alpha_4 \Delta REV_{j,t} + \alpha_5 PPE_{j,t} + \varepsilon_{j,t}$$

TCA: مجموع اقلام تعهدی شرکت که از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$TCA = (\Delta CA - \Delta Cash) - (\Delta CL - \Delta STDEBT) - DEP$$

CFO: جریان وجه نقد عملیاتی که از طریق سود خالص قبل اقلام غیر مترقبه منهای مجموع اقلام تعهدی بدست می

آید.

1 <http://www.rdis.ir>

2 <http://codal.ir>

3 <http://www.cbi.ir>

ΔREV : تغییر در درآمد فروش، PPE: اموال، ماشین آلات و تجهیزات، ΔCA : تغییر در دارائیهای جاری، ΔCL : تغییر در بدهیهای جاری، $\Delta Cash$: تغییر در وجه نقد، $\Delta STDEBT$: تغییر در ذخیره مالیات، بهره پرداختنی و سود سهام پرداختنی، DEP : هزینه استهلاک و برای تولید ناخالص داخلی داریم:

در حسابهای ملی ایران روش تولید (جمع ارزش افزوده‌ها) به عنوان روش اصلی محاسبه تولید ناخالص داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد^۱.

$$GDP = \sum_{i=1}^9 V_i \quad (3)$$

که در آن V ارزش افزوده ۹ بخش : کشاورزی، معدن، صنعت، آب و برق و گاز، ساختمان، بازرگانی و هتل داری و رستوران، حمل و نقل و ارتباطات، خدمات پولی و مالی و مستغلات، خدمات اجتماعی و دولت می باشد.

۶- مدل استفاده شده در تحقیق

با توجه به موارد ذکر شده پیش بینی ما این است که متغیرهای حسابداری از جمله مجموع رشد سود حسابداری و مجموع رشد درآمد حاصل از فروش و کیفیت سود؛ که از طریق تاثیر گذاری بر کارایی سرمایه گذاری و بهبود و رونق بازار سرمایه، با رشد تولید ناخالص داخلی رابطه داشته و در مورد آن آگاهی بخش است. در این تحقیق، مدل مورد استفاده بر اساس مطالعات یانیو کانچیچکی، پانوس ان. پاتاتوکاس^۲ (۲۰۱۴) در بررسی رابطه بین رشد سود حسابداری و رشد تولید ناخالص داخلی، استفاده شده که به صورت زیر می باشد:

$$g_{q+k} = \alpha_k + \beta_k \Delta X_q + \gamma_k g_q + \varepsilon_{q+k} \quad (4)$$

مدل فوق این موضوع را که آیا متغیرهای مستقل ارائه شده پژوهش در مورد رشد GDP آینده، که در آن GDP فصل q (یک فصل عقب تر از متغیر وابسته) به صورت متغیر کنترل است، اطلاعاتی ارائه می کند یا نه، استفاده شده است. در مدل فوق

g_q : رشد تولید ناخالص داخلی (gdp) برای دوره q

ΔX_q : بر اساس فرضیه ها به ترتیب عبارت است از: مجموع رشد سود حسابداری، کیفیت سود، تغییرات کیفیت سود و مجموع رشد فروش برای دوره q (که همیشه یک فصل از متغیر وابسته عقب تر می باشند).

g_{q+k} : رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) برای دوره $q+k$ می باشد و $k = \{1, 2, 3, 4\}$

۷- یافته‌های پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش برای استفاده در رگرسیون خطی در نگاره شماره ۲ ارائه شده است. نگاره شماره ۲ نشان دهنده میانگین، حداکثر، حداقل و انحراف معیار است. همان گونه که ملاحظه می شود بیشترین میزان پراکندگی و همچنین میانگین در بین متغیرهای پژوهش به ترتیب مربوط به متغیر رشد فصلی سود و رشد فصلی تولید ناخالص داخلی است. افزون بر این، کمترین میزان پراکندگی و همچنین میانگین به ترتیب مربوط به تغییرات فصلی اقلام تعهدی و رشد فصلی سود است.

^۱سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

^۲ YanivKonchitchki n, PanosN.Patatoukas

جدول شماره ۲: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
رشد فصلی تولید ناخالص داخلی	۲۴/۰۸	۲۴/۸	۵۵/۵۶	-۷/۲۶	۱۱/۹۵
رشد فصلی سود	-۱۰/۰۷	۰/۵	۱۰۹/۷۴	-۱۷۳/۶۷	۱۱۶/۸۳
کیفیت سود فصلی	۰/۵۱۷	۰/۵۰۵	۰/۷۹	۰/۳	۰/۱۴۲
تغییرات فصلی ارقام تعهدی	-۲/۹۹۶	-۱/۰۰۵	۲۴/۵۳	-۳۸/۲۸	۲۱/۳۳
رشد فصلی فروش	۲۱/۱۳	۲۳/۴۴۹	۵۲/۷۲	-۱۹/۳۲	۱۵/۷۳

منبع: یافته های پژوهش

بر اساس تعریف پایایی، یک سری زمانی وقتی پایا است که میانگین، واریانس، کوواریانس و در نتیجه ضریب همبستگی آن در طول زمان ثابت باقی بماند و مهم نباشد که در چه مقطعی از زمان این شاخص‌ها را محاسبه می‌کنیم. در این تحقیق به منظور بررسی پایایی متغیرها از آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته (Augmented Dickey-Fuller Test) استفاده شده است. لازم به توضیح است که پس از بررسی پایایی متغیرهای تحقیق و آگاهی از درجه پایایی آن‌ها که با $I(d)$ نمایش داده می‌شود، اگر متغیرهای تحقیق حداکثر با یک بار تفاضل‌گیری پایا شوند (یعنی $I(1)$)، لازم است تا نسبت به همجمع بودن متغیرهای تحقیق نیز اطمینان حاصل نماییم و برای اینکار باید پایا بودن جملات اخلاص رگرسیون را مورد بررسی قرار دهیم. اگر بررسی‌های ما نشان داد که جملات اخلاص مربوط به رگرسیون در سطح پایا می‌باشند (یعنی $I(0)$)، می‌توان از روش‌های معمول اقتصادسنجی در برآورد عوامل به کمک سری‌های زمانی استفاده کرد و در استنباط‌های آماری از آماره‌های F و t سود برد و در غیر اینصورت باید از داده‌ها تفاضل‌گیری شود.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته برای کلیه متغیرهای تحقیق

متغیر	مقدار آماره آزمون	سطح خطا	درجه پایایی
رشد فصلی تولید ناخالص داخلی	-۳/۴۵۵	۰/۰۰۱۴	$I(0)$
رشد فصلی سود	-۴/۳۴۲	۰/۰۰۰	$I(0)$
کیفیت سود فصلی	-۳/۴۷	۰/۰۱۳	$I(0)$
تغییرات فصلی ارقام تعهدی	-۳/۴۶	۰/۰۱۴	$I(0)$
رشد فصلی فروش	۲۱/۱۳	۰/۰۱۳	$I(0)$

منبع: یافته های پژوهش

همانطور که در نگاره بالا نیز قابل مشاهده است، نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای تحقیق در سطح پایا می‌باشند.

۸- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

۸-۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

جدول شماره ۴: نتایج برآورد مدل

k=4		k=3		k=2		k=1		متغیر
معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	
۰/۰۰۰	۳۱/۱۷	۰/۰۰۰	۳۱/۴۷	۰/۰۰۰	۲۴/۳۳	۰/۰۰۰	۱۶/۸۵	عرض از مبدا
۰/۰۳۲	۰/۰۲۹	۰/۰۵۱	۰/۰۲۷	۰/۲۲۵	۰/۰۱۹	۰/۵۲۹	۰/۰۰۹	رشد فصلی سود
۰/۰۱۵	-۰/۳۳۲	۰/۰۱۱	-۰/۳۴۷	۰/۹	-۰/۰۱۹	۰/۰۴۷	۰/۲۹۶	رشد فصلی تولید ناخالص داخلی
(۰/۰۱۱)	۵/۰۶۹	(۰/۰۱۱)	۵/۰۸	(۰/۴۷۴)	۰/۷۵۹	(۰/۰۹)	۲/۵۴۵	آماره F فیشر (معناداری)
	۰/۱۶۳		۰/۱۵۹		۰/۰۱۱		۰/۰۶۴	ضریب تعیین
	۱/۸۵		۱/۶۴		۱/۶۹		۱/۹۱	آماره دوربین واتسون

منبع: یافته های پژوهش

۸-۱-۱- تحلیل نتایج بدست آمده

خودهمبستگی

برای بررسی این فرضیه از آماره دوربین واتسون استفاده می شود، در صورتیکه میزان این آماره در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، فرض وجود خودهمبستگی میان جملات باقیمانده رد می شود. با توجه به نتیجه بدست آمده برای هر ۴ مدل میزان این آماره بین محدوده مورد نظر می باشد. بنابراین در جملات باقیمانده این مدل ها رگرسیونی خود همبستگی وجود ندارد.

آماره F فیشر

برای پذیرش برقراری فرض معناداری کل مدل یا به عبارت دیگر وجود رابطه خطی معنادار میان متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون F فیشر استفاده می شود. فرض صفر این آزمون عدم وجود رابطه خطی میان متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می دهد. نتایج جدول بالا برای مدل های $k=3$ و $k=4$ با سطح معناداری صفر (زیر ۵ درصد) بیانگر رد فرض صفر با اطمینان ۹۵ درصد است. به عبارت دیگر به طور کلی رابطه خطی معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و مدل از اعتبار لازم برای تحلیل نتایج برخوردار است. اما برای مدل های $k=1$ و $k=2$ این آماره معنادار نمی باشد.

ضریب تعیین

میزان ضریب تعیین بیانگر درصدی از تغییرات متغیر وابسته است که توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است. در این مدل ها ضریب تعیین به ترتیب برابر ۰/۰۶۴ و ۰/۰۱۱ و ۰/۱۵۹ و ۰/۱۶۳ می باشد.

۸-۱-۲- تحلیل نتیجه فرضیه شماره اول

هدف این فرضیه بررسی این موضوع است که آیا ارتباط معناداری میان رشد سود حسابداری و رشد تولید ناخالص داخلی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد و در مورد رشد تولید ناخالص داخلی حاوی محتوای اطلاعاتی بوده و قدرت پیش بینی آن را دارد یا خیر. برآورد مدل نشان می دهد که ضریب و سطح خطای متغیر رشد سود حسابداری در مدل ($k=1$) برابر ۰/۰۰۹ و ۰/۵۲۹، در مدل ($k=2$) برابر ۰/۰۱۹ و ۰/۲۲۵، در مدل ($k=3$) برابر ۰/۰۲۷ و ۰/۰۵۱ و در مدل ($k=4$) برابر ۰/۰۲۹ و ۰/۰۳۲ بوده که در کل نشان دهنده وجود ارتباط مثبت معنادار این متغیر با رشد تولید ناخالص داخلی می باشد. اما از لحاظ آماری با توجه به سطح خطای بدست آمده برای آنها فقط مدل ($k=3$) در سطح خطای قابل پذیرش ۱۰ درصد و مدل ($k=4$) در سطح خطای قابل پذیرش ۵ درصد مورد تایید قرار می گیرند. بنابراین در کل شواهد نشان دهنده این است که این ارتباط در فصول سوم و چهارم سال که از لحاظ سیکل تجاری نزدیک تر به یکدیگر می باشند، مورد تایید قرار می گیرد و مجموع رشد سود حسابداری برای فصول سوم و چهارم حاوی محتوای اطلاعاتی بوده و می تواند رشد تولید ناخالص داخلی را پیش بینی کند.

۸-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

جدول شماره ۵: نتایج برآورد مدل

k=4	k=3	k=2	k=1	متغیر
ضریب معناداری	ضریب معناداری	ضریب معناداری	ضریب معناداری	عرض از مبدا
۰/۰۰۵ ۱۸/۸۸	۰/۰۰۰ ۲۳/۵۹	۰/۰۰۳ ۲۲/۳۴	۰/۰۴۲ ۱۴/۳۷	کیفیت سود فصلی
۰/۰۰۸ ۲۰/۴۸	۰/۰۱۳ -۳/۰۰۷	۰/۶۳۶ -۶/۳۸	۰/۰۹۴ ۲۲/۵۳	رشد فصلی تولید ناخالص داخلی
۰/۰۵۸ -۰/۲۸۴	۰/۸۰۸ ۰/۰۳۷	۰/۲۳۳ ۰/۱۹۳	۰/۵۷۱ -۰/۰۸۸	آماره F فیشر (معناداری)
(۰/۰۹۳) ۲/۵۲	(۰/۹۵۷) ۰/۰۴۴	(۰/۴۸۵) ۰/۷۳۶	(۰/۲۴۲) ۱/۴۶	ضریب تعیین
۰/۰۶۷	۰/۰۰۲	۰/۰۳۴	۰/۰۲	آماره دوربین واتسون
۱/۵۶	۱/۵۵	۱/۶۲	۱/۵۵	

منبع: یافته های پژوهش

۸-۲-۱- تحلیل نتایج بدست آمده

خودهمبستگی

با توجه به نتیجه بدست آمده برای هر ۴ مدل میزان این آماره بین محدوده مورد نظر می باشد. بنابراین در جملات باقیمانده این مدل ها رگرسیونی خود همبستگی وجود ندارد.

آماره F فیشر

نتایج جدول بالا برای مدل $k=4$ با سطح معناداری صفر (زیر ۵ درصد) بیانگر رد فرض صفر با اطمینان ۹۵ درصد است. به عبارت دیگر به طور کلی رابطه خطی معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و مدل از اعتبار لازم برای تحلیل نتایج برخوردار است. اما برای مدل های $k=1$ و $k=2$ و $k=3$ این آماره معنادار نمی باشد.

ضریب تعیین

در این مدل ها ضریب تعیین به ترتیب برابر $0/079$ و $0/008$ و $0/148$ و $0/124$ می باشد.

۸-۲-۲- تحلیل نتیجه فرضیه شماره دوم

هدف این فرضیه بررسی این موضوع است که آیا ارتباط معناداری میان کیفیت سود حسابداری و رشد تولید ناخالص داخلی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد یا خیر. برآورد مدل نشان می دهد که ضریب و سطح خطای متغیر رشد سود حسابداری در مدل ($k=1$) برابر $(22/53)$ و $(0/094)$ ، در مدل ($k=2$) برابر $(-6/38)$ و $(0/636)$ ، در مدل ($k=3$) برابر $(-3/07)$ و $(0/013)$ و در مدل ($k=4$) برابر $(20/48)$ و $(0/008)$ بوده که در کل نشان دهنده وجود ارتباط معنادار این متغیر با رشد تولید ناخالص داخلی می باشد. اما از لحاظ آماری با توجه به سطح خطای بدست آمده برای آنها فقط مدل ($k=4$) در سطح خطای قابل پذیرش ۵ درصد مورد تایید قرار می گیرند. بنابراین در کل شواهد نشان دهنده این است که این ارتباط در فصل چهارم سال مورد تایید قرار می گیرد.

۸-۳-۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم

جدول شماره ۶: نتایج برآورد مدل

k=4		k=3		k=2		k=1		
ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	متغیر
۰/۰۰۰	۳۱/۹	۰/۰۰۰	۳۱/۳۲	۰/۰۰۰	۲۴/۳۴	۰/۰۰۰	۱۶/۰۸	عرض از مبدا
۰/۰۴۱	۰/۰۷۳	۰/۰۳۱	۰/۰۴۱	۰/۹۰۶	۰/۰۱۱	۰/۹۰۴	۰/۰۱	تغییرات اقلام تعهدی فصلی
۰/۰۱۴	-۰/۴۱۵	۰/۰۲۲	-۰/۳۸۵	۰/۷۱۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۶۵	۰/۲۹۵	رشد فصلی تولید ناخالص داخلی
(۰/۰۳۴)	۳/۷۲	(۰/۰۳۳)	۳/۹۸	(۰/۹۲۵)	۰/۰۷۸	(۰/۰۷۸)	۲/۸	آماره F فیشر (معناداری)
	۰/۱۲۸		۰/۰۹۴		۰/۰۰۴		۰/۰۳۸	ضریب تعیین
	۱/۷۵		۱/۵۶		۱/۵۸		۱/۷۵	آماره دوربین واتسون

منبع: یافته های پژوهش

۸-۳-۱- تحلیل نتایج بدست آمده

خودهمبستگی

با توجه به نتیجه بدست آمده برای هر ۴ مدل میزان این آماره بین محدوده مورد نظر می باشد. بنابراین در جملات باقیمانده این مدل ها رگرسیونی خود همبستگی وجود ندارد.

آماره F فیشر

نتایج جدول بالا برای مدل های $k=4$ و $k=3$ با سطح معناداری صفر (زیر ۵ درصد) بیانگر رد فرض صفر با اطمینان ۹۵ درصد است. به عبارت دیگر به طور کلی رابطه خطی معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و مدل از اعتبار لازم برای تحلیل نتایج برخوردار است. اما برای مدل های $k=1$ و $k=2$ این آماره معنادار نمی باشد.

ضریب تعیین

در این مدل ها ضریب تعیین به ترتیب برابر ۰/۰۷۹ و ۰/۰۰۸ و ۰/۱۴۸ و ۰/۱۲۴ می باشد.

۸-۳-۲- تحلیل نتیجه فرضیه شماره سوم

هدف این فرضیه بررسی این موضوع است که آیا ارتباط معناداری میان تغییرات اقلام تعهدی و رشد تولید ناخالص داخلی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد یا خیر. برآورد مدل نشان می دهد که ضریب و سطح خطای متغیر رشد سود حسابداری در مدل (k=1) برابر (۰/۰۱) و (۰/۹۰۴)، در مدل (k=2) برابر (۰/۰۱۱) و (۰/۹۰۶)، در مدل (k=3) برابر (۰/۰۴۱) و (۰/۰۳۱) و در مدل (k=4) برابر (۰/۰۷۳) و (۰/۰۴۱) بوده که در کل نشان دهنده وجود ارتباط مثبت معنادار این متغیر با رشد تولید ناخالص داخلی می باشد. اما از لحاظ آماری با توجه به سطح خطای بدست آمده برای آنها فقط مدل (k=3) و مدل (k=4) در سطح خطای قابل پذیرش ۵ درصد مورد تایید قرار می گیرند. بنابراین در کل شواهد نشان دهنده این است که این ارتباط در فصول سوم و چهارم سال مورد تایید قرار می گیرد.

۸-۴- نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم

جدول شماره ۷: نتایج برآورد مدل

k=4		k=3		k=2		k=1		
ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	متغیر
۰/۰۰۰	۳۰/۹۶	۰/۰۰۰	۳۰/۴۸	۰/۰۰۰	۲۲/۵۹	۰/۰۰۰	۱۵/۸۹	عرض از مبدا
۰/۳۸۲	-۰/۱	۰/۹۵۷	-۰/۰۰۶	۰/۵۱۳	۰/۰۸۴	۰/۶۵۵	۰/۰۵۲	رشد فصلی فروش
۰/۰۸۲	-۰/۲۵۷	۰/۰۳۲	-۰/۳۱۶	۰/۸۷	-۰/۰۲۷	۰/۰۶۷	۰/۲۸۶	رشد فصلی تولید ناخالص داخلی
(۰/۰۴۴)	۳/۷۸	(۰/۰۴۳)	۳/۷۸	(۰/۸۰۴)	۰/۲۱۹	(۰/۰۹۹)	۲/۴۳	آماره F فیشر (معناداری)
	۰/۰۷۸		۰/۰۷۷		۰/۰۱		۰/۰۵۹	ضریب تعیین
	۱/۶۹		۱/۵۴		۱/۶۳		۱/۸۷	آماره دوربین واتسون

منبع: یافته های پژوهش

۸-۴-۱- تحلیل نتایج بدست آمده

خودهمبستگی

با توجه به نتیجه بدست آمده برای هر ۴ مدل میزان این آماره بین محدوده مورد نظر می باشد. بنابراین در جملات باقیمانده این مدل ها رگرسیونی خود همبستگی وجود ندارد.

آماره F فیشر

نتایج جدول بالا برای مدل های k=3 و k=4 با سطح معناداری صفر (زیر ۵ درصد) بیانگر رد فرض صفر با اطمینان ۹۵ درصد است. به عبارت دیگر به طور کلی رابطه خطی معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و مدل از اعتبار لازم برای تحلیل نتایج برخوردار است. اما برای مدل های k=1 و k=2 این آماره معنادار نمی باشد.

ضریب تعیین

میزان ضریب تعیین بیانگر درصدی از تغییرات متغیر وابسته است که توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است. در این مدل ها ضریب تعیین به ترتیب برابر ۰/۰۵۹ و ۰/۰۱ و ۰/۰۷۷ و ۰/۰۷۸ می باشد.

۸-۴-۲- تحلیل نتیجه فرضیه شماره چهارم

هدف این فرضیه بررسی این موضوع است که آیا ارتباط معناداری میان رشد فصلی سود و رشد تولید ناخالص داخلی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد یا خیر. برآورد مدل نشان می دهد که ضریب و سطح خطای متغیر رشد سود حسابداری در مدل (k=1) برابر (۰/۰۵۲) و (۰/۶۵۵)، در مدل (k=2) برابر (۰/۰۸۴) و (۰/۵۱۳)، در مدل (k=3) برابر (۰/۰۰۶) و (۰/۹۵۷) و در مدل (k=4) برابر (۰/۱) و (۰/۳۸۲) بوده که در کل نشان دهنده عدم وجود ارتباط معنادار این متغیر با رشد تولید ناخالص داخلی می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهاد ها

هدف از این پژوهش بررسی محتوای اطلاعاتی متغیرهای حسابداری چون، رشد سود، کیفیت سود، تغییرات فصلی اقلام تعهدی و رشد فروش و تولید ناخالص داخلی و قدرت پیش بینی آنها در مورد رشد تولید ناخالص داخلی بود. این پژوهش با استفاده از اطلاعات مالی فصلی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و اطلاعات مربوط به رشد فصلی تولید ناخالص داخلی، در سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۴ نشان داد که نه تنها بین رشد سود، کیفیت سود، تغییرات فصلی اقلام تعهدی (متغیرهای خرد) و رشد تولید ناخالص داخلی (متغیر کلان) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد بلکه در مورد رشد تولید ناخالص داخلی حاوی محتوای اطلاعاتی بوده و می توانند رشد تولید ناخالص داخلی را پیش بینی کنند.

نتایج نشان می دهد که رشد سود و تغییرات فصلی کیفیت سود دو فصل بعد و کیفیت فصلی سود بعد از سه فصل بر رشد تولید ناخالص داخلی تاثیر گذاشته و آن را پیش بینی می کنند. البته دو فصل و سه فصل وقفه نشان گر این مهم است که کارایی بازار سرمایه در ایران از کیفیت خوبی برخوردار نبوده و نمی تواند تاثیرات متغیرهای حسابداری در بازار سرمایه را به سرعت منعکس کند. بنابراین روند تاثیرگذاری متغیرهای مهم حسابداری مورد بررسی در این پژوهش بر روی رشد تولید ناخالص داخلی دو فصل و سه فصل به طول انجامیده و می تواند رشد آن را پیش بینی کنند. که نتایج به دست آمده با نتایج مطالعات یانیو کانچیچکی و پانوس ان. پاناتوکاس (۲۰۱۴) و فابیو گبیرت نر و همکاران (۲۰۱۶) همسو بوده و سازگار و هم خوانی دارد. ولی نتایج به دست آمده در مورد رشد فروش می توان بیان کرد فروش شرکت های بزرگی با توجه به آمار توصیفی هرچند رشد داشته ولی با توجه به اینکه میانگین رشد سود منفی بوده نشان می دهد که فروش توانایی تهاوت هزینه ها را نداشته و اطلاعات فروش محتوای اطلاعاتی ندارد و همچنین روش ارزش افزوده، حاصل تفاضل ستانده از هزینه های واسه ای می باشد بنابراین این بحث هم وجود دارد که افزایش هزینه ها تاثیر گذاری فروش را کم رنگتر کرده و باعث عدم تاثیر این متغیر بر رشد تولید ناخالص داخلی و پیش بینی آن می باشد.

بنابراین این پژوهش شواهد دیگری را در مورد سودمندی اطلاعات حسابداری و قدرت پیش بینی این اطلاعات در مورد رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای اقتصاد کلان فراهم نمود. این یافته ها می تواند موجب ترغیب تهیه کنندگان اطلاعات حسابداری به ارائه اطلاعات با کیفیت تر جهت پاسخگویی مناسب به نیازهای جامعه خود از یک سو و تشویق استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری به توجه و تامل در مورد اهمیت اطلاعات حسابداری در زمینه هایی غیر از بازار سرمایه، به خصوص در زمینه اقتصاد کلان گردد. بعلاوه معادلات و اطلاعات ارائه شده در این پژوهش می تواند در پژوهش های آتی پژوهشگران در زمینه ارتباط بین داده های خرد (اطلاعات حسابداری) و داده های کلان (اطلاعات اقتصادی) و قدرت پیش بینی اطلاعات حسابداری در این مورد و همچنین اهمیت کیفیت گزارشگری مالی، یاری رساند.

از آنجایی که تاکنون غالباً پژوهش های انجام شده در حوزه ادبیات مالی و حسابداری با اقتصاد کلان، صرفاً به بررسی رابطه بین متغیرهای کلان با متغیرهای حسابداری پرداخته، و ارتباط بین داده های خرد (متغیرهای حسابداری) با متغیرهای کلان اقتصادی و توانایی پیش بینی متغیرهای کلان اقتصادی بخصوص رشد تولید ناخالص داخلی توسط متغیرهای حسابداری ناشناخته باقی مانده است. با تکیه بر نتایج آزمون فرضیه های پژوهش حاضر پیشنهاد می شود تحلیل گران کلان و سیاست گذاران اقتصادی و همچنین برای برنامه ریزی و بودجه بندی دولت، سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان از اطلاعات مالی، در ارزیابی و پیش بینی خود به توانایی اطلاعات مالی در خصوص پیش بینی متغیرهای کلان اقتصادی توسط متغیرهای حسابداری بیشتر از پیش مورد توجه داشته باشند.

۱. به پژوهش گران آینده پیشنهاد می شود که در پژوهشی مشابه با پژوهش حاضر، متغیرهای دیگر اقتصاد کلان همچون تورم را اضافه کرده و شرکت ها را به تفکیک صنایع مورد بررسی قرار دهند.

۲. روابط بین ارزش گذاری سهام با رشد تولید ناخالص داخلی مورد بررسی قرار داده و سایر متغیرهای حسابداری را نیز در زمینه پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی مورد بررسی قرار دهند.

۳. تغییرات مثبت و منفی متغیرهای حسابداری را به صورت جداگانه در نظر گرفته و با متغیرهای اقتصاد کلان مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- ۱- ابراهیمی، سجاد، بیات، سعید، عینیان، مجید، کرمی، هومن و فاطمه نجفی. "گزارش فصلی متغیرهای کلان" پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، پیش شماره صفر، سال ۱۳۹۱
- ۲- پیرایی، خسرو و محمدرضا شهسوار. (۱۳۸۸). "تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر بازار بورس ایران"، فصلنامه ۲۱- پژوهشهای اقتصادی، شماره ۱۸، صص ۲۱-۳۸
- ۳- تقوی، مهدی و یوسف احدی سرکانی. (۱۳۸۶). "تأثیر رشد اقتصادی بر ساختار مالی و مالکیت شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۵، از ۱۹۷ تا ۲۳۶
- ۴- حجازی، رضوان، خلیفه سلطانی، سید احمد و زرافشان رحمانی. (۱۳۸۹). "تأثیر متغیرهای رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی بر عدم شفافیت سود"، مجله پژوهش های حسابداری مالی سال دوم، شماره سوم، شماره پیاپی (۵)، صص ۱-۱۶
- ۵- سجادی، سیدحسین، فرازمنند، حسن و هاشم علی صوفی. (۱۳۸۹). "بررسی رابطه متغیرهای کلان اقتصادی و شاخص بازده نقدی سهام در بازار بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهشنامه علوم اقتصاد، ی شماره ۳۹، صص ۱۲۳-۱۵۰
- ۶- عرب مازار یزدی، محمد و مظفر جمالیان پور. (۱۳۸۹). "مقایسه محتوای اطلاعاتی و سود مندی صورت سود و زیان میان دوره ای ۳، ۶ و ۹ ماهه در بورس بهادار تهران"، مجله پژوهشهای حسابداری مالی، سال دوم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۶، صص ۴۵-۶۶
- ۷- عرب صالحی، مهدی، گوگردچیان، احمد و پروین پور فخریان. (۱۳۹۴). "تحلیل مقایسه ای اثر اقلام تعهدی اختیاری بر بازده سهام، در شرکت های با رشد بالا و سایر شرکت ها"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۷۸-۵۶
- ۸- فدایی نژاد، محمد اسماعیل و مجتبی کامل نیا. (۱۳۹۲). "واکنش بازار به اعلامیه های سود فصلی در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال پنجم، شماره چهارم، شماره پیاپی (۱۸)، صص ۷۱-۹۰
- ۹- کامیابی، یحیی و مهدیه نور علی. (۱۳۹۵). "بررسی اثر میانجی محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱-۲۶
- ۱۰- مدرس، احمد و رضا حصارزاده. (۱۳۸۷). "کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه گذاری"، فصلنامه بورس اوراق بهادار سال اول، شماره ۲، صص ۸۵-۱۱۶
- ۱۱- مطهری، سید و حمیدرضا برادران شرکاء. (۱۳۸۶). "رابطه متغیرهای مهم کلان اقتصادی با متغیرهای عمده حسابداری در ایران" مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۲۰، صص ۱ تا ۳۶
- ۱۲- نیکو مرام، هاشم، تقوی، مهدی و حمید احمدزاده. (۱۳۹۳). " پیامدهای اقتصادی کیفیت اطلاعات حسابداری با تمرکز بر متغیر پایداری سود"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت سال هفتم، شماره بیست و یکم
- ۱۳- هاشمی، سید عباس و فاطمه بهزادفر. (۱۳۹۰). "ارزیابی رابطه محتوای اطلاعاتی اقلام تعهدی و نسب تهای مالی منتخب با قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" مجله پژوهش های حسابداری مالی سال سوم، شماره اول، شماره پیاپی ۷، صص ۵۵-۶۷.
- 14- Agrawalla, Tuteja, (2008), "Share Prices and acroeconomic Variables in India: An Approach to Investigate the Relationship Between Stock Markets and Economic Growth", Journal of Management Research, Volume 8, Number 3.
- 15- Anthony , Kwame.(2008), "Impact of macroeconomic indicators on stock market performance", Journal of Risk Finance, Vol. 9 Issue 4, p365-378, 14p
- 16- Ball, R., & Shivakumar, L.(2008)."How much new information is there in earnings?" Journal of Accounting Research 46: 975-1016.
- 17- Ball, R., Kothari, S. P. & Nikolaev, V. (2013). "Econometrics of the Basu asymmetric timeliness coefficient and accounting conservatism". Journal of Accounting Research 51: 1071-1097.
- 18- Banker, R., Basu, S., Byzlov, D., & Chen, J. (2016). "The confounding effect of cost stickiness on conservatism estimates?" Journal of Accounting and Economics 61: 203-220.
- 19- Basu, S. (1997). "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings." Journal of Accounting and Economics 24: 3-37.

- 20- Beaver, W.H; Kennelly, J.W and W.M. Voss (1968). "Predictive Ability as a Criterion for the Evaluation of accounting Data", *The Accounting Review*, PP: 675.
- 21- Beaver, W.H., (1998). "Financial reporting: an accounting revolution, Third Edition". New Jersey: Prentice-Hall.
- 22- Beck, T., R. Levine & N. Loayza, (2000). "Finance and the Sources of Growth". *Journal of Financial Economics*, 58(1-2): 261-300.
- 23- Bernsten. L., (1989), "Financial statement analysis : theory , application , and interpretation Illinois": Richard Irwin, p. 357
- 24- Bhattacharya, U., Daouk, H., Welker, M. (2003). "The world price of earnings opacity", *The Accounting Review*, 78(3), 641-78.
- 25- Biddle, Gary and Gilles Hilary, (2006) "Accounting Quality and Firm-level Capital Investment", *The Accounting Review*, vol 81
- 26- Biddle, Gary and Gilles Hilary, (2007) "How Does Financial Accounting Quality Improve Investment Efficiency?", *The Accounting Review*
- 27- Biddle, Gary C.; Gilles, Hilary and does Rodrigo S. Verdi (2009). "How financial reporting quality relate to investment efficiency?", *Journal of Accounting and Economics*, doi:10.1016/j.jacceco.2009.09.001.
- 28- Bureau of Economic Analysis, 2004. "Corporate profits in the GDP accounts". BEA paper series, No.0040. United States Department of Commerce, Economics and Statistics Administration, Bureau of Economic Analysis.
- 29- Bureau of Economic Analysis, 2007. "Measuring the Economy: A Primer of GDP and the National Income and Product Accounts". United States Department of Commerce, Economics and Statistics Administration, Bureau of Economic Analysis.
- 30- Chen, C., Young, D., & Zhuang, Z. (2013). "Externalities of mandatory IFRS adoption: Evidence from cross-border spillover effects of financial information on investment efficiency". *The Accounting Review* 88 (3): 881-914
- 31- Chen, Zhihong, (2005), "Earnings Quality and the Sensitivity of Capital Investment to Accounting Information", Working paper, Hong Kong University of Science and Technology.
- 32- Collins, D., Hribar, P., & Tian, X. (2014). "Cash flow asymmetry: Causes and implications for conditional conservatism research". *Journal of Accounting and Economics* 58: 173-200.
- 33- Crawley, M. (2015). "Macroeconomic consequences of accounting: The effect of accounting conservatism on macroeconomic indicators and the money supply". *The Accounting Review* 90: 987-1011.
- 34- Dechow, P.M., Kothari, S.P., Watts, R.L., (1998). "The relation between earnings and cash flows" *Journal of Accounting and Economics* .25(2), 133-168.
- 35- Dichev, D., and Tang, W. (2008); "Matching and the changing properties of accounting earnings over the last 40 year", *The Accounting Review*, 83, 1-36.
- 36- Dichev, D., and Tang, W. (2009); "Earnings volatility and earnings predictability", *Journal of Accounting and Economics*, 47, 160-181.
- 37- Donelson, D.C., Jennings, R., and McInnis, J. (2011); "Changes over Time in the Revenue-Expense Relation: Accounting or Economic", *The Accounting Review*, 86, 3, 945-974.
- 38- Fabio B. Gaertner, Asad Kausar, Logan B. Steele, (2016); "The Usefulness of Negative Aggregate Earnings Changes in Predicting Future Gross Domestic Product Growth", www.ssrn.com, id2656597
- 39- Financial accounting standards boards (FASB), (1980), "Qualitative characteristics of accounting information", SFACs No. 2 Stanford, CT: FASB.
- 40- Fischer, S., Merton, R.C., (1984). "Macro economics and finance: the role of the stock market". NBER working paper series, No. 1291. NBER, Cambridge, MA.
- 41- Francis, J. Iofond and et al. (2005) "the market pricing of accruals quality", *Journal of Accounting and Economics*, vol 39
- 42- Fry, M.J. (1978). "Money and Capital or Financial Deeping in Economic Development?". *Journal of Money, Credit and Banking*, 10(4): 464- 475.
- 43- Gaio, C., and C. Raposo (2011). "Earnings Quality and Firm Valuation: International Evidence", *Accounting and Finance*, Vol. 51, 467-499.
- 44- Goldsmith, R.W. (1969). "Financial Structure and Development". Yale University Press.

- 45- Greenwood, J. & B. Smith. (1997). "Financial Markets in Development, and the Development of Financial Markets". *Journal of Economic Dynamics and Control*, 21(1): 145-181
- 46- H. Jamal Zubairi.(2009), "An Investigation of the Influence of Key Financial and Economic Indicators on Profitability of Cement Sector Companies In Pakistan";<http://ssrn.com/abstract=1534186>
- 47- Henderson, J.V., Storeygard, A., Weil, D.N., (2012). "Measuring economic growth from outer space". *American Economic Review* 102(2), 994-1028.
- 48- Hermalin, B.E. (1992). "The effects of competition on executive behavior", *Rand Journal of Economics*, 23, 350-65.
- 49- King, R.G. & R. Levine. (1993a). "Finance and Growth: Schumpeter Might be Right". *Quarterly Journal of Economics*, 108(3): 717-737.
- 50- King, R.G. & R. Levine. (1993b). "Finance Entrepreneurship, and Growth: Theory and Evidence". *Journal of Monetary Economics*, 32(3): 513-542.
- 51- Konchitchki, Y., (2011). "Inflation and nominal financial reporting: implications for performance and stock prices". *Accounting Review* 86(3), 1045-1085.
- 52- Kothari, S.P., (2001). "Capital markets research in accounting". *Journal of Accounting and Economics*. 31(1-3), 105-231.
- 53- Levine, R. (1997). "Financial Development and Economic Growth: Views and Agenda". *Journal of Economic Literature*, 35(2): 688- 726.
- 54- Levine, R., N. Loayza & T. Beck. (2000). "Financial Intermediation and growth: Causality and Causes". *Journal of Monetary Economics*, 46(1): 31-77.
- 55- Li, N., Richardson, S.A., Tuna, A.I., (2012). Macro to micro : "country exposures, firm fundamentals and stock returns". Working paper.
- 56- Luintel, K & M. Khan. (1999). "A Quantitative Reassessment of the Finance- Growth Nexus: Evidence from a Multivariate VAR". *Journal of Development Economics*, 60(2): 381- 405.
- 57- Madsen B. Jakob (2002), "Share Returns and the Fisher Hypothesis Reconsidered", *Applied Financial Economics*, 12, 565-574.
- 58- Minier J. (2008). "Opening a stock exchange", *Journal of Development Economics*. doi: 10.1016/j.jdeveco.2008.10.002.
- 59- Pandit, S., Wasley, C., & Zach, T. (2011). "Information externalities along the supply chain: The economic determinants of suppliers' stock price reaction to their customers' earnings announcements". *Contemporary Accounting Research* 28(4): 1304-1343.
- 60- Raman, K., & Shahrur, H. (2008). "Relationship-specific investments and earnings management: Evidence on corporate suppliers and customers". *The Accounting Review* 83(4): 1041-1081.
- 61- Riahi-Belkaoui, Ahmad, Fouad K. AlNajjar (2006). "Earnings opacity internationally and elements of social, economic and accounting order", *Review of accounting and finance*, 5, 189-203.
- 62- Scharfstein, D. (1988). "Product market competition and managerial slack", *Rand Journal of Economics*, 19, 147-55.
- 63- Stark, T., 2010. "Realistic Evaluation of Real-time Forecasts in the Survey of Professional Forecasters". Federal Reserve Bank of Philadelphia (Research Department Special Report).
- 64- Trueman, B. and Titman S. Titman (1988), "An explanation of accounting income smoothing". *Journal of Accounting Research* .Vol26, pp. 127-139.
- 65- Watts, R. (2003a). "Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications". *Accounting Horizons* 17: 207-221.
- 66- Watts, R. (2003b). "Conservatism in accounting, Part II: Evidence and research opportunities". *Accounting Horizons* 17: 287-301.
- 67- Yaniv Konchitchki n , Panos N. Patatoukas, (2014). "Accounting earnings and gross domestic product", *Journal of Accounting and Economics* 57 (2014) 76-88
- 68- Zarnowitz, V., Braun P., 1993. Twenty-two years of the NBER-ASA quarterly economic outlook surveys: "aspects and comparisons of forecasting performance. *Business Cycles*", Indicators, and Forecasting, James Stock and Mark Watson, eds., Chicago: The University of Chicago Press.